

اختلاف در شناخت و جهان‌بینی؛ منشأ پاره‌ای از چالش‌های اسلام و غرب

یکی از موضوعات مهمی که منجر به پاره‌ای از چالش‌ها و تنش‌ها بین دنیای اسلام و دنیای غرب در طول تاریخ شده و اوج آن را در سی سال اخیر شاهد بوده‌ایم، اختلاف آنها در رابطه با چیدمان مبحث شناخت و جهان‌بینی است.

یکی از موضوعات مهمی که منجر به پاره‌ای از چالش‌ها و تنش‌ها بین دنیای اسلام و دنیای غرب در طول تاریخ شده و اوج آن را در سی سال اخیر شاهد بوده‌ایم، اختلاف آنها در رابطه با چیدمان مبحث شناخت و جهان‌بینی است.

سعید یاری، دبیر کل سازمان دفاع از منافع ملی ایران و تحلیلگر مسائل سیاسی - اقتصادی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به بیان سخنانی درباره آسیب‌شناسی مطالعات اسلامی در غرب و ریشه‌های فکری مقابله غرب با اسلام پرداخت و اظهار کرد: آحاد مردم دنیای غرب و به ویژه نخبگان و فرهیختگان آنان، نوعاً به مسلمانان احترام می‌گذارند و این جریان افراطی و رادیکال موجود در دنیای غرب است که با سوزده‌سازی‌های خاص خود چالش‌هایی را بخصوص در حوزه فکری و اعتقادی برای سایر ادیان و از جمله اسلام پیش می‌آورد.

این محقق و پژوهشگر در ادامه مباحث خود به تبیین سیر تطور و تکوین مطالعات شرق‌شناسی از سوی غربیان و غرب‌شناسی از سوی شرقیان و به مفهوم خاص از سوی مسلمانان و جهان اسلام پرداخت و عنوان کرد: دو نوع دیدگاه در طول تاریخ وجود داشته و ما اوج این دیدگاه‌ها را در دنیای غرب، به خصوص بعد از رنسانس مشاهده می‌کنیم.

وی تصریح کرد: دیدگاه نخست مبتنی بر نگاه‌های اومانیستی یعنی اصالت انسان است که در آن هر آنچه که اتفاق می‌افتد، با شاخص و ملاک و مناط صرف انسان بماهو انسان مورد بررسی و پردازش علمی قرار می‌گیرد و دیدگاه مخالف این دیدگاه، خدامحوری است که پدیده‌های عالم خلقت را با معیار و ملاک و مناط ذات اقدس الهی محک زده و مورد مطالعه و تحقیق و تفحص قرار می‌دهد.

این مدرس دانشگاه با بیان این‌که از نگاه خدامحورانه انسان به عنوان اشرف مخلوقات در نظر گرفته می‌شود، گفت: سایر ادیان نیز نگاه خاصی به این موضوع دارند، اما اوج این موضوع را در دین مبین اسلام مشاهده می‌کنیم که نسبت به محوریت خلقت، یعنی خلقت انسان، با نگاه خاصی برخورد می‌کند و همه خلقت را در استخدام این مخلوق راهبردی می‌بیند.

وی اضافه کرد: با توجه به شواهد قرآنی چون ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ...﴾ (اسراء/70)، ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ﴾ (احزاب/72) و ... در دیدگاه ناب اسلامی انسان و فرزندان انسان کرامت دارند و در این دیدگاه انسان بماهو انسان، پروژه راهبردی خلقت معرفی می‌شود که در دل پروژه خلقت جای گرفته و نهاده شده و تمام این پروژه خلقت در استخدام این پروژه راهبردی معنا و مفهوم دارد.

دبیر کل سازمان دفاع از منافع ملی ایران افزود: بنابراین در نگاه خدامحورانه نیز توجه به انسان جایگاه ویژه‌ای دارد، اما متأسفانه با افراطی‌گری و نگاه‌های تنیدی که در دنیای غرب رخ داد، این امر را به عنوان یک جریان مستقل در برابر نگاه‌های خدامحوری علم کردند و پس از آن تمام تحولات در دنیای غرب با محوریت انسان بماهو انسان و بدون در نظر گرفتن اراده حضرت حق در عالم خلقت در نظر گرفته شد و آنان تمام معادلات و محاسبات خود را با همین خط‌کش تنظیم کردند.

در دنیای غرب، متأسفانه به خاطر کوتاهی افق انسان نسبت به پدیده‌ها، دچار افراط و تفریط و حب و بغض و برخوردهای کاملاً یک‌جانبه‌گرایانه بوده‌ایم که عمده این چالش‌ها را همان جریان افراطی که تکیه بر ساختار جریان سلطه و بازیگران اصلی عرصه بین‌الدولی و بین‌المللی دارد، به وجود آمده است.

وی با اشاره به این‌که در دیدگاه اسلامی که اوج دیدگاه خدامحوری است، این موضوع نماد و نمود علنی، عملی و جدی دارد، خاطرنشان کرد: از منظر خود انسان به عنوان موضوع راهبردی خلقت چه در دنیای غرب و چه در دنیای اسلام همواره چیدمان مباحث تئوریک و نظری و اعتقادی و دینی و مذهبی از اساس اولیه آن یعنی جهان‌بینی و شناخت ناشی می‌شود.

یاری اظهار کرد: دیدگاه اسلامی بر آن است که ابتدائاً شناختی بالفطره و بالاراده در وجود انسان به عنوان اشرف مخلوقات وجود دارد و این شناخت انسان را به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه به سمتی می‌برد که از فرآیند جهان‌بینی سر برمی‌آورد، اما در دیدگاه غربی انسان نخست جهان را می‌بیند و بر اساس این جهان‌بینی، چیدمان فکری او شکل می‌گیرد؛ یعنی قبل از آن شناختی وجود ندارد.

دبیر کل سازمان دفاع از منافع ملی ایران عنوان کرد: در صورتی که فلز خلقتی انسان بر مبنای فطرت پاک و خداجوی شکل گرفته و به سمت مبدأ هستی و خلقت کشش دارد و اساساً خدامحوری انسان از درون ژن و حتی پیش از ژن، در قالب والدین و به همین منوال

تا انسان اولیه دیده شده و اساس فلز خلقتی انسان را همین فطرت خدادادی یعنی خداجویی تشکیل می‌دهد.

وی ادامه داد: دنیای غرب از این مقوله غفلت دارد و از همین روی بر آن است که انسان پس از خلقت ابتدا جهان را می‌بیند و سؤالاتی برای او ایجاد می‌شود که خود از کجا آمده، این هستی از کجا آمده است و ... این سؤالات چیدمان جهان‌بینی او را تشکیل می‌دهد؛ در صورتی که دیدگاه اسلامی فلز خلقتی انسان را همراه با شناخت و گرایشاتی فطری و ماورای فطری (ارادی) می‌داند و همین‌ها او را وارد کریدور جهان‌بینی، آن هم جهان‌بینی از جنس توحیدی و الهی می‌کند.

این مدرس دانشگاه تصریح کرد: انسان موحد مسلمان از آینه و منظر خداوند به جهان می‌نگرد و از همین روی، جهان‌بینی او توحیدی و الهی است، اما در دنیای غرب بدون توجه به شناخت و فطرت اولیه، به صرف این‌که این انسان خودش را به عنوان محوریت خلقت می‌بیند، جهان‌بینی او جهان‌بینی بشری، مادی و انسانی است، برخلاف دیدگاه اسلام که از دیدگاه توحیدی و الهی به عالم می‌نگرد.

وی اضافه کرد: انسان مسلمان از آینه و از دریچه خدا تمام این پدیده‌ها را کنکاش کرده و مورد بررسی و تفحص قرار می‌دهد و برای سؤالات خود پاسخ می‌گیرد و انسان مؤمن موحد مسلمان پاسخ‌های خود را از ناحیه حضرت حق می‌شنود و می‌بیند و بدان عمل می‌کند؛ خداوندی که مطلق وجود است و اشراف بر تمام خلقت خود دارد.

این تحلیلگر مسائل سیاسی - اقتصادی ادامه داد: این نکته دقیقاً برخلاف دنیای غرب است که می‌خواهد پاسخ‌های خود به سؤالات بنیادین را از زبان ناقص و بریده انسان پیدا کند که اصولاً در این صورت افق‌ها و چشم‌اندازهای انسان بسیار کوتاه است و او عمق مسائل و حکمت‌ها و فلسفه‌های مترتب بر خلقت پدیده‌ها را نمی‌بیند و منشأ این تفاوت را در دیدگاه‌های مربوط به شناخت و جهان‌بینی باید جست‌وجو کرد.

وی عنوان کرد: در جمع‌بندی این مباحث باید گفت که پلکان دوم مباحث مربوط به دنیای غرب و دنیای اسلام که منجر به پاره‌ای از چالش‌ها و تنش‌ها در طول تاریخ شده و اوج آن را در سی سال اخیر شاهد بوده‌ایم، از آنجا ناشی می‌شود که دیدگاه‌های غربیان در رابطه با چیدمان مبحث شناخت و جهان‌بینی با دیدگاه اسلامی متفاوت است.

دبیر کل سازمان دفاع از منافع ملی ایران گفت: در دنیای اسلام ابتدا شناخت صورت می‌گیرد و جهان‌بینی در پی آن می‌آید و این جهان‌بینی از منظر حضرت حق است و انسان را وارد فضایی می‌کند که شناخت او به جهان‌بینی الهی و خدامحوری می‌انجامد، اما در دنیای غرب دیدگاه و شناخت‌ها جهان‌بینی صرف و بدون شناخت اولیه است و این جهان‌بینی صرف به شناخت ثانویه‌ای می‌انجامد که در آن از منظر خود انسان به پدیده‌ها پاسخ داده می‌شود و از همین روی، شناخت و جهان‌بینی، بشری است و تبعات آن به اصالت انسان بمافوق انسان یعنی اومانیزم می‌انجامد.

وی با بیان این‌که در اندیشه انسان غربی تمام معادلات و فرمول‌ها بر این مبنا چیده شده است، خاطرنشان کرد: در دنیای غرب، متأسفانه به خاطر کوتاهی افق انسان نسبت به پدیده‌ها، دچار افراط و تفریط و حب و بغض و برخوردهای کاملاً یک‌جانبه‌گرایانه بوده‌ایم که عمده این چالش‌ها را همان جریان افراطی که تکیه بر ساختار جریان سلطه و بازیگران اصلی عرصه بین‌الدولی و بین‌المللی دارد، به وجود آمده است.